

وبسایت و فروشگاه تخصصی آزمون‌های زبان

www.FastZaban.com

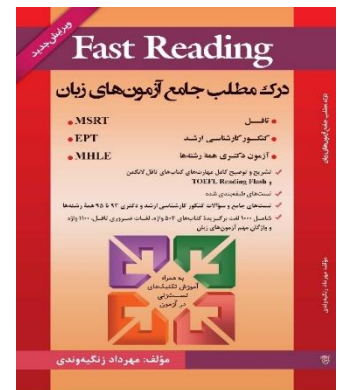
دانلود منابع و جزوات با کیفیت آزمون‌های

MSRT, EPT, MHLE, TOEFL, IELTS

کارشناسی ارشد و دکتری همه رشته‌ها

خرید اینترنتی کتاب‌های تألیفی و استاد

مهرداد زنگیه‌وندی (پرفروشترین برند آموزش زبان در کشور)



کتاب‌های تألیفی مهرداد زنگیه‌وندی

را می‌توانید از کتابفروشی‌های زبان
معتبر در سراسر کشور تهیه کنید.

آزمون‌ها و دوره‌های آنلاین در:
FastZaban.com

کتاب پر فروش **Fast Grammar**

چاپ چهارم

توضیح کامل ۶۰ مهارت لانگمن و گرامر آزمون‌های زبان و آموزش نحوه تست‌زنی در آزمون‌ها (در ۲۸۰ صفحه)
به‌همراه سوالات ادوار گذشته کنکورهای سراسری و آزمون‌های MSRT, EPT, MHLE با پاسخ کاملاً تشریحی

کتاب قدرتمند واژگان جامع **Fast Vocab** با روش یادگیری لایت‌نر

شامل لغات دبیرستان، لغات کتاب‌های ۵۰۴، لغات ضروری تافل و ۱۱۰۰ واژه با دسته‌بندی موضوعی

کتاب پر فروش **Fast Reading**

چاپ چهارم

توضیح نکات و مهارت‌های درک مطلب آزمون‌های زبان و آموزش تکنیک‌های تست‌زنی در آزمون‌ها (در ۱۳۶ صفحه)
به‌همراه سوالات کنکور کارشناسی ارشد و دکتری همه رشته‌ها و آزمون‌های MSRT, EPT, MHLE با پاسخ تشریحی

ویرایش سوم

کتاب پر فروش **Fast Bank (EPT)** بانک سوالات EPT با پاسخ تشریحی

شامل سوالات کامل ۲۰ دوره اخیر آزمون EPT (تا آذر ۹۶) با پاسخ کاملاً تشریحی و تحلیل آزمون (با به‌روزرسانی ماهیانه)

خرید اینترنتی کتاب‌های فوق در:

www.FastZaban.com

کانال آموزش و مشاوره استاد مهرداد زنگیه‌وندی در تلگرام t.me/FastZaban

لغات مهم آزمون EPT

توجه: این فایل بخشی از کتاب واژگان جامع (EPT) Fast Vocab است. هرگونه کپی‌برداری، خلاصه‌برداری، فروش در سایت‌ها و تغییر در محتوای این فایل قابل پیگرد قانونی است. انتشار تنها با ذکر منبع مجاز است.

obtain (v.) /əb'teɪn/ get, gain, attain, acquire ≠ lose

بدست آوردن، کسب کردن، فراهم آوردن

Nicole finally managed to **obtain** a copy of the report.

«نیکول» سرانجام موفق شد یک رونوشت از گزارش را بدست آورد.

destroy (v.) /dɪ'strɔɪ/ ruin, devastate, raze ≠ keep, preserve

خراب کردن، ویران کردن، نابود کردن

The school was completely **destroyed** by fire.

مدرسه بطور کامل توسط آتش تخریب شد.

Word Family

destruction (n.) /dɪ'strʌkʃən/

نابودی، خرابی؛ انهدام

destructive (adj.) /dɪ'strʌktɪv/

ویرانگر، مخرب

weapons of mass **destruction**

سلاح‌های کشتار جمعی

environmental **destruction**

تخریب زیست‌محیطی

eliminate (v.) /ɪ'lɪməneɪt/ remove, exclude; destroy, wipe out, annihilate, obviate, eradicate, obliterate ≠ include

حذف کردن، به حساب نیاوردن؛ از بین بردن، نابود کردن

We **eliminated** the possibility that it could have been an accident.

ما احتمال اینکه حادثه‌ای رخ داده باشد را رد کردیم.

Word Family

elimination (n.) /ɪˌlɪməˈneɪʃən/ حذف، از قلم افتادگی؛ نابودی

the **elimination** of disease/poverty/crime

ریشه‌کن‌سازی بیماری / فقر / جنایت

maintain (v.) /meɪnˈteɪn/ **preserve**, **retain**, sustain, perpetuate; believe; provide for ≠ waste

حفظ کردن، نگهداری کردن، در حالت فعلی نگهداشتن؛ معتقد بودن؛ خرجی دادن (به)

It is important to **maintain** a fixed temperature inside the greenhouse.

حفظ یک دمای ثابت در داخل گلخانه ضروری است.

Tanya **maintains** that her story is true.

«تانیا» ادعا می‌کند که داستانش حقیقی است.

Word Family

maintenance (n.) /ˈmeɪntənəns/ نگهداری، حفاظت

relate (to) (v.) /rɪˈleɪt/ link (with), associate (with), connect; tell

ربط داشتن، وابسته بودن؛ حکایت کردن

In the future, pay increases will be **related to** productivity.

در آینده، افزایش دستمزدها با بهره‌وری مرتبط خواهد بود.

We listened eagerly as he **related** the whole exciting story.

هنگامیکه او داستان هیجان‌انگیزش را نقل می‌کرد، ما با اشتیاق گوش می‌دادیم.

Word Family	
relation (n.) /rɪ'leɪʃən/	رابطه، وابستگی؛ حکایت
relative (adj.) (n.) /'relətɪv/	نسبی؛ مربوط؛ خویشاوند
relationship (n.) /rɪ'leɪʃənʃɪp/	رابطه؛ خویشاوندی
related (adj.) /rɪ'leɪtəd/	مربوط؛ گفته شده

Relations between the two countries have improved recently.

روابط بین دو کشور در این اواخر بهتر شده است.

increase¹ (v.) /ɪn'kri:s/ heighten, add to, **raise** ≠ lessen, **decrease**

[تعداد، مقدار، میزان، درجه، قیمت، ...] افزایش دادن، زیاد شدن

The population has **increased** from 1 million to 2 million.

جمعیت از ۱ میلیون [نفر] به ۲ میلیون [نفر] افزایش یافته است.

The rate of inflation has **increased** *by* 2%.

نرخ تورم [به میزان] ۲ درصد افزایش یافته است.

increase² (n.) /'ɪnkri:s/ growth, addition ≠ **decrease**

افزایش، رشد

There has been a great **increase** *in* air traffic in the last twenty years.

در بیست سال اخیر، افزایش چشمگیری در رفت‌وآمدهای هوایی رخ داده است.

a significant/substantial **increase** *in* sales

افزایش قابل توجه / چشمگیر در فروش

کانال آموزشی تلگرام:

t.me/FastZaban

Fast Vocab (EPT)

شامل لغات دبیرستان و کتاب‌های ۵۰۴، واژگان ضروری تافل و ۱۱۰۰ واژه

مبتنی بر روش یادگیری پایدار لایت‌نر

با ۷۰۰ لغت اصلی و بیش از ۸۰۰ جمله با ترجمه فارسی

بیش از ۱۵۰۰ کلمه مترادف

تلفظ IPA لغات به همراه آموزش

خودآزمایی و آزمون‌های جامع

decrease (v.) /di'kri:s/ lessen, reduce, decline, **diminish**, **dwindle**, **plunge** ≠ increase, raise

[تعداد، مقدار، ...] کم شدن، کاهش یافتن، کم کردن

By 1881, the population of Ireland had **decreased to** 5 million.

تا سال ۱۸۸۱، جمعیت ایرلند به ۵ میلیون [نفر] کاهش پیدا کرده بود.

The number of new students **decreased from** 210 **to** 160 this year.

امسال تعداد دانشجویان از ۲۱۰ [نفر] به ۱۶۰ [نفر] کاهش یافت.

People should **decrease** the amount of fat they eat.

مردم بایستی مقدار چربی که می‌خورند را کاهش دهند.

a **decreasing** population/number

جمعیت / تعداد رو به کاهش

Word Family

decrease (n.) /'di:kri:s/

کم شدگی، کاهش

a 2% **decrease in** the *rate* of unemployment

کاهش ۲ درصدی در نرخ بیکاری

benefit (from)² (v.) /'benəfit/ gain, profit, exploit

سود بردن، بهره‌مند شدن؛ مفید بودن، کمک کردن

Many people have **benefited from** the new treatment.

بسیاری از مردم از درمان جدید بهره‌مند شده‌اند.

Word Family	
beneficial (adj.) /'benə'fiʃəl/	سودمند، مفید؛ پرخاصیت
beneficiary (n.) /'benə'fiʃəri/	ذی‌نفع؛ [وصیت‌نامه، سرمایه، ...] بهره‌ور، بهره‌مند

A good diet is **beneficial to** health.

رژیم غذایی مناسب برای سلامتی مفید است.

promote (v.) /prə'məʊt/ **elevate**; develop, **stimulate**, **boost** ≠ obstruct, **impede**;
demote

ترفیع دادن؛ رواج دادن، گسترش دادن

If Coventry City win this match, they'll be **promoted to** the Premier League.

اگر [تیم] «کاونتری سیتی» این بازی را ببرند، به لیگ برتر راه پیدا خواهند کرد.

Word Family	
promotion (n.) /prə'məʊʃən/	ترفیع؛ ترویج، تبلیغ

vanish (v.) /'væniʃ/ disappear, fade away, **evaporate** ≠ appear; last

ناپدید شدن، غیب شدن؛ از میان رفتن

The bird **vanished from** sight.

پرنده از نظر پنهان شد.

disappear (from) (v.) /,disə'piər/ **vanish**; die, **perish** ≠ appear

ناپدید کردن یا شدن؛ از بین رفتن

16% of the forest cover has disappeared during the last 100 years.

۱۶ درصد از پوشش جنگلی در ۱۰۰ سال اخیر از بین رفته است.

Word Family	
disappearance (of) (n.)	ناپدیدشدگی، انقراض
/ˌdɪsəˈpiərəns/	

survive (v.) /sərˈvaɪv/ remain, **persist**, **endure**; **outlive**

[بعد از سانحه، حمله، جنگ، بیماری، ...] جان به در بردن، زنده ماندن؛ دوام آوردن

She **survived** the attack.

او از حمله جان سالم به در برد.

Word Family	
survival (of) (n.) /sərˈvaɪvəl/	بقا، ماندگاری

ignore (v.) /ɪgˈnɔːr/ overlook, **neglect**, disregard; **snub**, **shun** ≠ pay attention to

نادیده انگاشتن، کم‌محلی کردن (به)، اعتنا نکردن

Angela deliberately **ignored** my question and changed the subject.

«آنجلا» عمداً سؤال من را نادیده گرفت و موضوع را عوض کرد.

We cannot **ignore** the fact that many criminals never go to prison.

نمی‌توان این حقیقت را نادیده گرفت که بسیاری از تبهکاران هرگز به زندان نمی‌روند.

Word Family	
ignorance (n.) /ɪgnərəns/	نادانی، جهل؛ بی‌خبری، بی‌اطلاعی
ignorant (adj.) (n.) /ɪgnərənt/	بی‌دانش، بی‌سواد، نادان؛ ناآموخته

our **ignorance** of the true situation

بی‌اطلاعی ما از وضعیت واقعی

extend (v.) /ɪkˈstend/ enlarge, increase; **prolong** ≠ reduce, **shrink**

گسترش دادن، توسعه دادن؛ تمدید کردن؛ [دعوت و ...] کردن؛ ارزانی داشتن؛ کش دادن

to **extend** a fence/road/house

توسعه دادن، بزرگ‌تر کردن نرده / جاده / خانه

We're planning to **extend** our publishing of children's books.

در نظر داریم تا انتشار کتاب‌های کودکان را افزایش دهیم.

Management have agreed to **extend** the deadline.

مدیریت (مدیران) تصمیم گرفته‌اند که مهلت را تمدید کنند.

extend an invitation/apology

دعوت کردن / عذرخواهی کردن

extend a visa

تمدید کردن ویزا

Word Family	
extensive (adj.) /ɪk'stensɪv/	فراوان؛ گسترده؛ جامع
extensively (adv.) /ɪk'stensɪvli/	به‌وفور؛ بطور گسترده‌ای
extension (of) (n.) /ɪk'stɛnʃən/	گسترش؛ تمدید؛ [آموزش] (دوره) شبانه

The fire caused **extensive** damage.

آتش خسارت فراوانی به بار آورد.

expand (v.) /ɪk'spænd/ enlarge, extend, augment; grow ≠ shrink

بزرگ کردن؛ گستردن، توسعه یافتن

Sydney's population **expanded** rapidly in the 1960s.

در دهه ۱۹۶۰ جمعیت سیدنی به سرعت افزایش یافت.

Word Family	
expansion (of) (n.) /ɪk'spænsjən/	گسترش، توسعه
expansive (adj.) /ɪk'spænsɪv/	گسترده، جامع؛ قابل توسعه

The rapid **expansion** of cities can cause social and economic problems.

گسترش سریع شهرها می‌تواند باعث بوجود آمدن مشکلات اجتماعی و اقتصادی شود.

threat (n.) /θret/ warning; risk, danger, hazard, **menace**

تهدید؛ خطر؛ [حادثه / پیشامد بد] احتمال (وقوع)

the **threat** of military invasion

خطر حمله نظامی

the **threat** of famine

احتمال وقوع قحطی

Bad air quality poses a serious **threat** to public health.

کیفیت بد هوا، سلامت عمومی را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد.

Word Family	
threaten (v.) /'θretn/	تهدید کردن؛ هشدار دادن
threatening (adj.) /'θretnɪŋ/	تهدیدآمیز

hamper (v.) /'hæmpər/ block, **hinder**, **inhibit**, **thwart**, **encumber**, **curtail** ≠ help

مانع شدن، لنگ کردن (کار)، (انجام کاری را) مختل کردن، بند کردن

Fierce storm **hampered** rescue efforts.

طوفان شدید عملیات نجات را مختل می‌کرد.

hinder (v.) /'hɪndər/ block, obstruct, **impede**, **hamper**; restrict, frustrate, restrain ≠ help, facilitate

مانع شدن، سد راه شدن؛ کند شدن، به تأخیر انداختن

That country's economic growth has been **hindered** by the sanctions.

رشد اقتصادی آن کشور بوسیله تحریم‌ها کند شده است.

Word Family	
hindrance (n.) /'hɪndrəns/	بازداری، جلوگیری، ممانعت؛ سد راه، مانع

attract (v.) /ə'trækt/ engage, **tempt**, **allure**, **lure**, **entice**, **captivate** ≠ disgust, **repel**

جذب کردن، به خود کشیدن، جلب کردن، مجذوب کردن

I guess it was her eyes that **attracted** me first.

گمان کنم در ابتدا چشمانش مرا مجذوب [خود] کرد.

Word Family	
attractive (adj.) /ə'træktɪv/	جذاب، گیرا، دلربا
attraction (n.) /ə'trækʃən/	جذب، کشش؛ گرایش، جذابیت، گیرایی

affect (v.) /ə'fekt/ influence, effect, act on, have an impact on

تحت تأثیر قرار دادن، متأثر کردن؛ [تغییر] بوجود آوردن

Your opinion will not **affect** my decision.

نظر شما بر روی تصمیم من تأثیرگذار نخواهد بود.

نکته: دقت کنید که affect فقط فعل است؛ ولی effect می‌تواند هم در نقش فعل و هم در نقش اسم بکار رود:
تأثیرات درازمدت دارو the long-term effects of the drug

respond (to) (v.) /rɪ'spɑ:nd/ answer, reply, rejoin, retort; react ≠ ask; ignore

پاسخ دادن، جواب دادن؛ واکنش نشان دادن

Liza didn't **respond** to any of her emails.

«لیزا» به هیچ‌یک از ایمیل‌هایش پاسخ نداد.

How did they **respond** to the news?

آنها چه عکس‌العملی نسبت به اخبار نشان دادند؟

Word Family	
response (n.) /rɪ'spɑ:ns/	پاسخ، جواب؛ واکنش
responsible (for) (adj.) /rɪ'spɑ:nsəbəl/	مسئول، پاسخگو؛ مسبب، موجب
responsibility (n.) /rɪ'spɑ:nsə'bɪləti/	مسئولیت؛ وظیفه

Mike is **responsible** for designing the entire project.

«مایک» مسئول طراحی کل پروژه است.

شاید یکی از رایج‌ترین سؤالاتی که همیشه داوطلبان آزمون‌های زبان از ما می‌پرسند، این باشد:

؟ برای آزمون خود چه کتاب لغتی بخوانم؟

در پاسخ بایستی گفت که داشتن تسلط کافی بر واژگان زبان انگلیسی می‌تواند نقش بسزایی در موفقیت داوطلبان آزمون‌های زبان (مانند تافل، MSRT، EPT، تولیمو، آیلتس و ...) و کنکورهای مقاطع مختلف داشته باشد. از طرفی، یادگیری کل لغات زبان انگلیسی نیز کار ساده‌ای بنظر نمی‌رسد! همچنین، نظر به اینکه بخش واژگان، بیشترین تعداد سؤالات را در بسیاری از آزمون‌ها به خود اختصاص می‌دهد، صرف‌نظر کردن از این مبحث می‌تواند به قیمت عدم موفقیت در آزمون تمام شود. حال، راه چاره چیست؟

با بررسی و دقت در سؤالات آزمون‌های مختلف، می‌توان به درستی به این نتیجه رسید که واژگان مورد استفاده در سؤالات بخش واژگان، از کتاب‌ها و منابع خاصی گرفته می‌شوند. در تحلیلی که انجام دادیم، مشاهده کردیم که کتاب‌هایی چون ۵۰۴ واژه، واژگان ضروری تافل و ۱۱۰۰ واژه از کتاب‌های مفید در مسیر آمادگی برای بخش واژگان آزمون‌های زبان هستند؛ ولی مشکل آنجاست که این منابع، حجم زیادی دارند و مطالعه آنها کار چندان ساده‌ای نیست. در نتیجه، تلاش کردیم کتابی را آماده کنیم که شامل لغات این کتاب‌ها بوده و درعین‌حال، حجم مناسبی داشته باشد. در واقع، کتاب **Fast Vocab** شامل لغات مهم **دوره دبیرستان**، لغات کتاب‌هایی چون **۵۰۴ واژه**، **۴۰۰ لغت ضروری تافل**، **واژگان ضروری تافل** و **۱۱۰۰ واژه** است که با استفاده از روش ابداعی و بی‌نظیر ارایه لغات در کنار **مترادف‌های** آنها و با وسواسی خاص و به سبکی آکادمیک به ترتیب ساده به دشوار، برای شما عزیزان آماده گردیده است. در این کتاب،

پس از تجزیه و تحلیل آزمون‌های ادوار گذشته EPT، واژگان مهم و پرتکرار را استخراج و بر اساس میزان تکرار و اهمیت، آنها را مرتب نمودیم. سپس این لغات را اولویت‌بندی نموده و نکات تکمیلی را نیز اضافه کردیم.

در **Fast Vocab** برای هر لغت چه مواردی ارائه شده است؟

در کتاب **Fast Vocab** از نکات ابداعی بسیاری برای اولین بار استفاده شده که نظیر برخی از آنها حتی در کتاب‌های منبع چاپ خارج از کشور نیز وجود ندارد. در زیر نکاتی که برای لغات هر درس ارائه گردیده را برمی‌شماریم:

۱. لیست لغات جدید درس و جعبه لایتنر برای مرور و به خاطر سپردن لغات: در ابتدای هر درس، لیست لغات جدید درس (۱۲ لغت) به همراه ۶ خانه خالی در جلو هر کدام از آنها ارائه گردیده است. اساس استفاده از این خانه‌ها، روش لایتنر است که به‌نوعی بهترین و علمی‌ترین روش برای به خاطر سپردن معنی لغات جدید به حافظه بلندمدت است. در ادامه، نحوه استفاده از این روش توضیح داده شده است.

۲. حروف اضافه خاص هر لغت:

حروف اضافه، در پاسخ به تست‌ها کمک زیادی به داوطلبان می‌کنند. از اینرو، حروف اضافه رایج خاص هر لغت در داخل پرانتز آورده شده‌اند.

۳. نقش دستوری (Part of Speech) لغات:

نقش دستوری یعنی اسم، فعل، صفت، قید، حرف اضافه، یا ... بودن یک کلمه. در این کتاب، بعد از هر لغت، نوع کلمه در داخل پرانتز و بصورت اختصاری نمایش داده شده است. راهنمای علائم اختصاری در صفحه ۲ کتاب آورده شده است.

۴. تلفظ لغات:

بعد از نقش دستوری هر لغت، تلفظ IPA «الفبای فونتیک بین‌المللی» آن ارائه شده است. راهنمای استفاده از تلفظ IPA در انتهای کتاب آورده شده است.

۵. مترادف‌های لغات:

بعد از تلفظ هر لغت، مترادف‌ها و متضادهای مهم هر یک از معانی مختلف آن قرار داده شده‌اند. این واژگان با وسواس خاصی انتخاب شده‌اند و جزو لغات مهم آزمون‌ها هستند. بین معانی مختلف، از علامت (=) استفاده شده و متضادها بعد از علامت (\neq) قرار گرفته‌اند. معانی مختلف بر اساس میزان کاربرد و مترادف‌ها به ترتیب ساده به دشوار از چپ به راست مرتب شده‌اند. از اینرو، در این قسمت، ابتدا کلماتی که زیر آنها خط کشیده نشده و سپس کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده را مطالعه کنید؛ زیرا مترادف‌هایی که زیر آنها خط کشیده شده، عمدتاً مترادف‌های دشوارتر و برگزیده از کتاب‌هایی چون ۱۱۰۰ واژه هستند که بیشتر برای کسانی که خود را برای کسب نمرهٔ بالا از آزمون آماده می‌کنند، مناسب هستند. بنابراین، مطالعهٔ این لغات را در اولویت دوم (مرحلهٔ دوم) مطالعهٔ خود قرار دهید. همچنین، مترادف‌هایی که از کتاب ۵۰۴ هستند، به رنگ قرمز نمایش داده شده‌اند.

۶. ترجمهٔ روان لغات:

در قسمت بعد، ترجمه‌های روان و دقیق لغات آورده شده است. این ترجمه‌ها، به ترتیب کاربرد آنها در زبان انگلیسی آورده شده‌اند. معانی متفاوت از طریق علامت (!) از یکدیگر جدا شده‌اند. همچنین، کاربرد کلی هر معنی در داخل کروشه [] قرار داده شده که یکی از نقاط قوت کتاب است و در تست‌زنی و استفادهٔ صحیح از لغات بسیار کمک‌رسان است.

۷. مثال‌های نمونه:

در قسمت بعد، مثال‌هایی از کاربرد لغت جدید در جمله آورده شده است. در این قسمت، سعی شده تا مثال‌هایی که جنبه آموزشی داشته و حاوی نکاتی مهم از نحوه استفاده از لغت جدید در جملات انگلیسی هستند، انتخاب شوند. در این قسمت، لغت جدید بصورت توپر مشخص شده و زیر نکات مربوط به هم‌نشینی (collocation) آن کلمه با کلمات دیگر، خط کشیده شده (underline) است. برای مثال، لغت expansion «گسترش» با rapid «سریع» هم‌نشینی دارد و در زیر لغت expansion، اصطلاح rapid expansion به معنی «گسترش سریع» مشخص شده است.

۸. ترجمه مثال‌های نمونه:

در این قسمت، ترجمه روان مثال‌ها آورده شده است. در قسمت ترجمه، معنی لغت جدید بصورت خط‌چین نشان داده شده است.

۹. کلمات هم‌خانواده:

در جدول Word Family، کلمات هم‌خانواده لغت اصلی به همراه تلفظ IPA و ترجمه آنها ارائه گردیده است.

۱۰. تست‌های نمونه:

در انتهای هر ۴ درس، تست‌هایی برای تمرین لغات درس‌های گذشته آورده شده است. پاسخ تشریحی این تست‌ها در انتهای کتاب قرار داده شده است.

۱۱. تست‌های جامع:

در انتهای کتاب نیز ۳ آزمون جامع با پاسخ تشریحی ارائه گردیده است. پاسخ تشریحی این تست‌ها در انتهای کتاب قرار داده شده است.

برای یادگیری هر چه بهتر لغات، به نکات زیر توجه کنید:

۱. سعی کنید لغات جدید را در قالب جمله فراگیرید.
۲. لغات را به همراه مترادف‌ها و متضادهایشان به خاطر بسپارید.
۳. لغات جدید را حتماً در فواصل زمانی منظم و بطور اجمالی مرور کنید. در انجام این کار، از روش لایت‌نر پیشنهادی ما استفاده کنید تا ماندگارترین، اصولی‌ترین و علمی‌ترین روش به خاطر سپردن لغات را تجربه کنید.
۴. به دنبال روش‌های صرفاً تبلیغاتی، مانند کدینگ (و یا یادگیری در خواب! و امثالهم) نروید. مؤثر و علمی بودن این روش‌ها را هیچ بنیاد علمی تاکنون تأیید نکرده است.
۵. پیشوندها، پسوندها و ریشه‌های متداول کلمات را فراگیرید. با این کار قادر خواهید بود معنی لغات ناآشنا را حدس بزنید.

کدینگ

ادعا می‌شود که کدینگ یک روش ساده برای به خاطر سپردن راحت‌تر لغات و معانی آنها به حافظه است. در واقع، اساس این روش بر این اصل استوار است که از طریق برقراری ارتباط بین «داشته‌ها و دانش قبلی» فرد، فراگیری مطالب جدید تسهیل شود، یا حداقل این ارتباط بایستی از «زبان، لهجه یا فرهنگ زبان‌آموز» نقطهٔ مشترکی را با مطلب یا لغت جدید پیدا کرده و در تسهیل یادگیری مطالب جدید، یاری‌رسان باشد. ولی متأسفانه بیش از ۹۵ درصد کدهای ابداعی! اساتید گرامی فعال در این زمینه، یادگیری لغت را نه تنها ساده‌تر نمی‌کند، بلکه این کار را به یک معضل! تبدیل می‌کند. روش کدینگ در صورتی مؤثر خواهد بود که یادگیرنده خودش و با دانش قبلی خود کدی را بسازد؛ مثلاً بتواند یک ارتباط جالب بین لغت جدید و فرهنگ و لهجهٔ خود پیدا کند. در این صورت، کد مورد نظر مفید خواهد بود. ولی در صورتیکه برای یادگیری هر لغت،

زبان آموز مجبور شود کلی از دریچه‌های دانش را به روی خودش باز کند که کار بسیار دشوارتر خواهد شد!

X یکی از پیامدهای منفی یادگیری از طریق کدینگ، آسیب بسیار جدی است که این روش به «تلفظ» صحیح لغات وارد می‌کند و به راحتی هم قابل جبران نیست. مثلاً فردی که لغت abandon (با تلفظ صحیح -بَندِن) را در جایی با کد «آبادان» یاد گرفته، همه جا abandon را بایستی بصورت «آبادان» بشنود تا کد لغت را به خاطر بیاورد!

جایگزین کدینگ چیست؟

بهترین روش یادگیری لغات، **روش لایت‌نر** یا مرورهای منظم است؛ که روشی علمی و دستکاری نشده‌تر است و به قول انگلیسی‌ها:

Practice makes perfect.

«تمرین [منظم] باعث تسلط می‌شود.»

روش لایت‌نر

جعبه لایت‌نر یک جعبه پنج‌خانه است که برای **یادگیری پایدار** مورد استفاده قرار می‌گیرد. لایت‌نر، در واقع روش علمی «به خاطر سپردن» مطالب است که بر مبنای آن، آموخته‌ها از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه بلندمدت منتقل می‌شوند.

اساس علمی

سیستم لایت‌نر در مجموع ماندگارترین روش تکرار برای انتقال آموخته‌ها به حافظه بلندمدت را پیشنهاد می‌کند. این‌نگ هاوس کسی بود که روش مرور برای تثبیت مطالب در حافظه بلندمدت را پیشنهاد کرد و بوریس فردریک اسکینر روش لایت‌نر را توسعه داد. در کتاب **Fast Vocab**، ما با ایجاد تغییراتی

در روش لایتنر، آن را بصورت یک جدول شش‌خانه‌ای در آورديم که در آن، هر یک از خانه‌ها، یک مرحله از فرآیند مرور و یادگیری لغات جدید است.

پاداش‌های فوری اسکینر

اسکینر با آزمایش‌هایی علمی نشان داد که «هرگاه به یک رفتار بلافاصله و بصورت آنی پاداشی داده شود، آن رفتار تکرار خواهد شد.» لذا هر بار که شما به معنای لغت پرسیده شده، جواب صحیح دهید، احساس رضایتی که بوجود می‌آید، شما را به ادامه این کار تشویق کرده، تمرکز شما را بر کار افزایش داده و شما را به موضوع علاقه‌مند می‌کند. این‌ها همان عوامل ارتقای بازدهی یادگیری هستند که در کتاب **Fast Vocab** نیز لحاظ شده‌اند.

قاعدهٔ منحنی فراموشی ابینگ هاوس

هرمان ابینگ هاوس، روانشناس آلمانی، ثابت کرد که ۲۰ دقیقه پس از حفظ کردن، مقداری از واژه‌های بی‌معنا (۸۰٪ آن‌ها) فراموش می‌شوند و مابقی هرگز فراموش نمی‌شوند. ضمناً سرعت فراموشی در ابتدا سریع است و به مرور کند شده و مرور مطالب از قبل حفظ‌شده باعث کاهش این سرعت به نصف و حتی بهتر از آن (در صورت خوب حفظ کردن) می‌گردد. در نتیجه، اگر معنی لغات یک زبان خارجی را که چندان هم بی‌معنا نیستند حفظ کنیم، این روند فراموشی بیش از یک روز طول می‌کشد و با پنج بار مرور موفق به مقدار ناچیزی می‌رسد و در صورت کاربردی بودن، مادام‌العمر در ذهن خواهد ماند.

روش لایتنر بر اساس منحنی فراموشی عمل می‌کند.

روش کار در جدول لایتنر **Fast Vocab**

در جدول بالای هر درس، برای هر لغت ۶ خانه قرار داده شده است. روش کار بدین صورت است که:

- در **روز اول**، شما لغات جدید را به ترتیب مطالعه می‌کنید و زمانیکه معنی هر لغت را بطور کامل یاد گرفتید، در خانه اول (از سمت چپ) آن، علامت تیک ✓ را قرار دهید. سپس، این کار را برای لغات دیگر درس نیز انجام دهید.

- در **روز دوم**: لغات جدید درس دوم و جواب‌های آنها را مرور کنید تا حفظ شوید؛ و بعد از آنکه معنی هر لغت را بطور کامل یاد گرفتید، در خانه اول مربوط به آن، علامت تیک ✓ را قرار دهید. در روز دوم، لغات درس اول را نیز بایستی با استفاده از **Test Card** ضمیمه کتاب و با روش حس زدن معنی لغات، مرور کنید. در صورتیکه معنی لغات را درست حدس زدید، علامت ✓ را در خانه دوم قرار دهید. اگر معنی لغات را نمی‌دانید، در خانه دوم علامت X را وارد کرده و آن لغت را چند بار مرور کنید.

- در **روز سوم**: لغات جدید درس سوم و جواب‌های آنها را مرور کنید تا حفظ شوید؛ و بعد از آنکه معنی هر لغت را بطور کامل یاد گرفتید، در خانه اول مربوط به آن، علامت تیک ✓ را قرار دهید. در روز سوم، لغات درس‌های اول و دوم را نیز بایستی با استفاده از **Test Card** و با روش حس زدن معنی لغات، مرور کنید. در صورتیکه معنی لغات را درست حدس زدید، علامت ✓ را در خانه مربوطه قرار دهید. اگر معنی لغات را نمی‌دانید، در خانه مربوطه علامت X را وارد کرده و آن لغت را چند بار مرور کنید.

- همین روش را برای **روزهای چهارم و پنجم** نیز انجام دهید و در هر روز، لغات چند روز قبل را نیز با استفاده از Test Card و با روش حدس زدن معنی لغات مرور کرده و در خانه‌ها از علامت ✓ یا ✗ را وارد کنید.
- خانه ششم را در **روز ۱۰م** مرور کرده و طبق روال روزهای قبل، علامت‌های ✓ یا ✗ را در خانه مربوطه قرار دهید. برای این منظور می‌توانید از قسمت **Date** «تاریخ» استفاده کنید.
- پس از اتمام مرحله ششم، در صورتیکه برای یک لغت علامت ✗ مشاهده می‌کنید، به همان تعداد به جدول، خانه خالی اضافه کرده و آن لغت را در روزهای آتی مرور کنید. این کار را تا زمانیکه برای لغت مورد نظر به ۶ علامت تیک ✓ می‌رسید، ادامه دهید.

توجه: در صورتیکه معنی یک لغت را در روز اول مطالعه آن بلد هستید، در خانه ششم جدول علامت تیک ✓ را وارد کنید؛ ولی حتماً مثال‌ها و نکات مربوط به آن را مطالعه کنید.

در پایان، خداوند را سپاس می‌گویم که توفیق تألیف این اثر را به بنده عنایت نمود و امیدوارم با این کار توانسته باشم خدمتی هر چند کوچک به هم‌وطنان گرامی کرده باشم. همچنین، لازم می‌دانم از همکاران تلاشگرمان در کلیه واحدهای انتشارات جنگل که با دقت و کیفیت مثال‌زدنی مراحل چاپ کتاب را انجام می‌دهند، کمال تشکر را ابراز کنم. ضمن آرزوی موفقیت و بهروزی یکایک داوطلبان، دانشجویان و مدرسین گرامی، از شما تقاضا دارم هرگونه پیشنهاد و انتقادی که می‌تواند در جهت بهبود این اثر مفید باشد را از طریق راه‌های ارتباطی زیر با من در میان بگذارید.

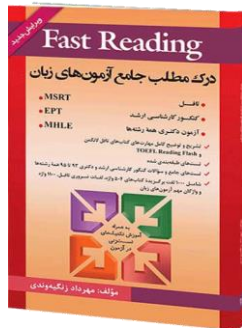
مهرداد زنگیه‌وندی - آبان ۹۶

e-mail: mehrdad@fastzaban.com
www.FastZaban.com

از همین مؤلف:

کتاب **Fast Reading** (راهنمای جامع درک مطلب آزمون‌های

زبان (چاپ چهارم)



کتاب **Fast Reading** تلاشی است برای آماده ساختن داوطلبان برای بخش درک مطلب کنکور کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های مختلف، **MSRT**، **EPT**، **MHLE** و تافل.

قسمت‌های مختلف کتاب **Fast Reading**

این کتاب از ۷ بخش تشکیل شده که هر یک از آنها بر روی یکی از مهارت‌های لازم برای پاسخ به انواع مختلف سؤالات آزمون تمرکز می‌کند. هر یک از بخش‌های کتاب بصورت یک درس‌نامه ارائه گردیده است.

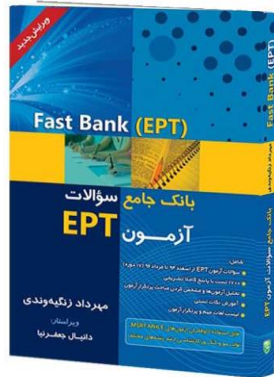
▪ بخش‌های مختلف کتاب به شرح زیر هستند:

۱. توضیح و آموزش نکات هر بخش به زبان ساده: در این قسمت سعی شده تا مباحث درسی به زبان ساده با مثال توضیح داده شوند.

۲. در آزمون: در این قسمت نحوه ارزیابی از مباحث هر درس در آزمون‌های مختلف و چگونگی پاسخ‌دهی به آنها با ذکر نکات تستی ارائه شده است.

۳. قسمت **Sample Test**، آزمون جامع و تست‌های آزمون‌های مختلف

از همین مؤلف:



کتاب پر فروش **Fast Bank (EPT) (بانک جامع سؤالات آزمون EPT)** **[ویرایش سوم- با آپدیت ماهیانه]**

شامل:

- همهٔ سؤالات ۲۰ دورهٔ اخیر آزمون EPT (از اسفند ۹۴ تا آبان ۹۶) با پاسخ کاملاً تشریحی (۲۰۰۰ سؤال)
- تحلیل آزمون‌ها و مشخص کردن مباحث پرتکرار آزمون
- آموزش نکات تستی
- لیست لغات مهم و پرتکرار آزمون

تهیهٔ جدیدترین نسخهٔ این کتاب: از طریق وبگاه اینترنتی ما به

نشانی (www.FastZaban.com)

از همین مؤلف:

کتاب **Fast Grammar** (گرامر جامع آزمون‌های زبان)

(ویرایش دوم)

◀ پس از استقبال گرم زبان آموزان عزیز، چاپ جدید ویرایش دوم کتاب
Fast Grammar تألیف

مهرداد زنگیه‌وندی در دو رنگ و ۲۸۰ صفحه به بازار آمد...

کامل‌ترین منبع آزمون‌های زبان

✓ با بیش از ۷۰۰ تست و سؤالات واقعی آزمون‌های **MSRT**، **EPT**، **MHLE**، ارشد و دکتری همه رشته‌ها تا **آبان ۹۶** با پاسخ کاملاً تشریحی و تحلیل همه گزینه‌ها ...

شامل:

✓ آموزش کامل نکات به زبان ساده در ۱۶ بخش

✓ مباحث و تست‌های کتاب‌های تافل لانگمن، تافل بارونز و **Kit** با پاسخ کاملاً

تشریحی

✓ آموزش گرامر از طریق **کالبدشکافی اجزا جمله** مانند فاعل، فعل، مفعول، صفت،

قید، ... و نشانه‌های تشخیص ساده آنها در جمله و جایگاه و ترتیب قرار گرفتن آنها

در جمله

✓ تست‌های مباحثی و جامع هدفمند

✓ مشخص کردن مباحث مهم آزمون

✓ نکات تست‌زنی سریع‌تر بصورت ابداعی و انحصاری که در کتاب‌های

مشابه نخواهید دید...

✓ تست‌های منتخب از مباحث پرتکرار آزمون‌ها

✓ قرار دادن مباحث به ترتیبی که یک **سیر آموزشی منسجم، هدفمند و آکادمیک** دنبال می‌شود

✓ آموزش پسوندهای کلمه و نحوه استفاده از آنها برای پاسخ صحیح به سؤالات
...

✓ در کتاب **Fast Grammar** رنگ‌ها اهمیت نکات را نشان می‌دهند و فقط برای زیبایی از آنها استفاده نشده!

✓ قسمت‌های رنگی برای **مرور سریع** شما متمایز شده‌اند...

Fast Grammar:

کلاس درس همراه



علائم و نشانه‌های اختصاری

علامت اختصاری	انگلیسی	معادل فارسی
n.	noun	اسم
v.	verb	فعل
adj.	adjective	صفت
adv.	adverb	قید
prep.	preposition	حرف اضافه
conj.	conjunction	حرف ربط
pron.	pronoun	ضمیر
pl.	plural	جمع
sb	somebody	کسی
sth	something	چیزی
UC	uncountable	[اسم] غیر قابل شمارش
AmE	American English	انگلیسی آمریکایی
BrE	British English	انگلیسی بریتانیایی

برای دریافت نمونه سؤالات با پاسخ تشریحی، به وبسایت
www.FastZaban.com یا کانال تلگرامی ما
t.me/FastZaban مراجعه نمایید.



برای ورود به سایت ما، بارکد مقابل را با دوربین تلفن همراه خود اسکن کنید:

درس اول

Date:	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>

benefit (n.)	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
benefit (v.)	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
merit	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
advantage	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
disadvantage	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
defect	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
deficiency	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
sufficient	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
insufficient	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
adequate	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
inadequate	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>
surplus	<input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/> <input type="text"/>

benefit (of)¹ (n.) /'benəfit/ advantage ≠ disadvantage, detriment

سود، مزیت، منفعت

retirement **benefits**

حقوق و مزایای بازنشستگی

He enjoys the financial **benefits** of his success.

او از مزیت‌های مالی موفقیتش برخوردار است / بهره می‌برد.

benefit (from)² (v.) /'benəfit/ gain, profit, exploit

سود بردن، بهره‌مند شدن؛ مفید بودن، کمک کردن

Many people have **benefited** from the new treatment.

بسیاری از مردم از درمان جدید بهره‌مند شده‌اند.